

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم

بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Vanguard Woman

زن پیشواز

حزب کار ایران (توفان)

۰۸ مارچ ۲۰۱۶

فرحنده باد هشتم مارچ روز همبستگی زنان سرا سر جهان!



در سال ۱۹۱۰ روز هشتم مارچ به عنوان روز بین المللی زن اعلام گردید و از آن پس همه ساله زنان آزاده این روز را گرامی می دارند ، تراز نامه مبارزه و دستاوردهای خود را از نظرمی گذرانند و همه نیروهای انقلابی و ترقیخواه را برای هدف نهائی یعنی آزادی کامل زن از قیود اجتماعی فرا می خوانند.

اما رژیم سرمایه داری جمهوری اسلامی این جرثومه ارتجاع و واپسگرایی بدون توجه به سنت های بیش از صد ساله هشتم مارچ ، روز ولادت دختر پیامبر اسلام را به عنوان روز زن ایرانی برگزیده است. اگر روز هشتم مارچ روز نوید پیروزی زن است ، روز این نوید که زن در جامعه تا مقام و مرتبه یک انسان آزاد و برابر با مرد ارتقاء یابد و واقعاً از حقوق انسانی بر خوردار گردد، روز زن در جمهوری زن ستیز اسلامی نشانه سیر قهقرائی زن به سوی کنیزی و بردگی است، نشانه برقراری قوانین طایفه ای عقب مانده و ب دوی آنها در چهارده قرن پیش بر جامعه کنونی ماست. برای کسانی که به قوانین اسلام در مورد زن آشنا می باشند روشن است که تعیین روز تولد "فاطمه زهرا" به عنوان روز زن در مقابل هشتم مارچ نه یک جایگزینی ساده و بی اهمیت بلکه یک سمتگیری روشن به سوی لگدمال کردن زن و پایمال نمودن حقوق انسانی اوست.

بررسی وضع زن ایرانی در خانواده و در اجتماع ، از جهت فرهنگی و اقتصادی و واقعیت هولناکی را برملاء می سازد. در اینجا باید خاطر نشان نمود که عدم برخورداری زنان از حقوق اجتماعی برابر با مردان در ایران تنها به خاطر اعتقادات مذهبی هیأت حاکمه کنونی نیست و به دوران پس از انقلاب تعلق ندارد بلکه قوانین اسلامی که امروز بر زنان جامعه ما تحمیل می گردد و آن را به قهقراء سوق می دهد ، در زمان رژیم پهلوی و طبعاً قبل از

آن نیز اعمال می‌شد. منتها اکنون با به کنار گذاشتن قوانین مدنی و بیکه تازی قوانین اسلامی، آن آرایشی را که رژیم شاه تحت نام حمایت از خانواده و آزادی زنان برچهره موقعیت زن ایرانی کشیده بود، زدوده و آن را عریان درمقابل دیدگان جهانیان قرارداد است. تعمق درمورد وضع زنان زحمتکش که اکثریت زنان ما را تشکیل می‌دهند روشن می‌سازد که تفاوت اساسی درحقوق انسانی و اجتماعی آنان درگذشته و حال حاصل نگشته است. موقعیت غیر انسانی زنان ایران و وجود اعتقادات اسلامی و بهره‌گیری از قوانین آن وضع زنان به مراتب وخیم‌تر است. با توجه به شرایط اقتصادی و فرهنگ حاکم بر جامعه ما، قوانین مدنی و فرمهای شاهنشاهی "آزادی زن" و غیره و نتوانست نمی‌توانست وضع اکثریت زنان ایران یعنی زنان زحمتکش را بهبودی بخشد و انقلاب بهمن [دلو] هم با تمام جانفشانی‌ها و شرکت گسترده زنان نه تنها نتوانست حقوق پایمال شده آنان را به کف آورد بلکه با کسب قدرت و توسط روحانیت حاکم، زنان به درجات بیشتری به عقب رانده شده‌اند، به طور خلاصه:

در خانواده، زن از حقوقی متساوی با شریک زندگی خود بهره‌مند نیست و بنا به درجه فقر و بیسوادی قشر و طبقه ای که به آن تعلق دارد "مقام" دوم، سوم، چهارم و..... را به او اختصاص داده‌اند. در اکثر خانواده‌های زحمتکش زنان در برابر تصمیمات شوهر، برادر، برادرشوهر، دای و عمو و..... وحتا اولاد ذکور خود حق کمترین مخالفتی ندارند. کارخسته کننده و دائمی خانه به اضافه بچه داری امکان شرکت در فعالیت‌های اجتماعی، تحصیل و رشد استعدادهای آنان را سلب می‌کند. اما همین زن از حق قیمومیت فرزندان خود بی‌بهره است.

ازدواج زنان حتا در شهرها و در خانواده‌های مرفه نیز نه با فکر و انتخاب آنان بلکه اکثراً بنابه اراده پدر و دربرخی موارد پدر و مادر انجام می‌گیرد. طبق قوانین ایران چه درگذشته و چه در حال دختر تا سن چهل سالگی بدون اجازه نامه پدر قادر به ازدواج نیست! آیا این قانون که اسلامیت انسانی نیز هست؟ این قانون نشانگر آن است که زن در اسلام و در ایران به مثابه انسانی که خود قادر به تفکر و اتخاذ تصمیم می‌باشد به حساب نمی‌آید. قابل توجه آن که عدم برخورداری زن از حق انتخاب تنها به شریک زندگی ختم نمی‌شود بلکه شامل تمام مسائل حتا انتخاب لباس، شغل و رشته تحصیلی و.... نیز می‌شود. درمورد طلاق هم وضع زن به همین اندازه و شاید بیش از این اسفناک است. در جامعه ما علی‌الاصول طلاق - جز برای قشر بسیار کوچکی از زنان متمول - لکه ننگ و یاد نقطه ضعف محسوب می‌شود. باید استفاده از دادگاههای حمایت از خانواده در زمان رژیم گذشته را نیز با توجه به بیسواد و فرهنگ حاکم بر اکثر خانواده‌ها به خصوص زحمتکشان در نظر گرفت. اکنون که دیگر حتا بر روی کاغذ هم قانونی به حمایت از زنان موجود نیست. وضع زن طلاق گرفته به ویژه آن که شاغل نباشد رقتبار است.. زن تنها در جامعه ایران همواره تحت فشارهای شدید قرارداد و محیط اطراف او سرشار از سوءظن، تهمت و کنجکاوی دیگران است و تنها پیوند ازدواج با مرد شرافت و پاکی اش را تثبیت نموده و وی را تحت حمایت خود قرار می‌دهد. با روی کار آمدن رژیم جمهوری اسلامی این فقر فرهنگی با قوانین رسمی و اسلامی نیز تثبیت شده است و یورش به زنان آنان را نه به مقام دوم بلکه از مقام انسان نیز به عقب رانده است. سرکوب و فقر فرهنگی که رژیم بدان دامن می‌زند امروز ابعاد تازه‌ای یافته و توهین و دستبرد به حقوق زنان به حد جنایت علنی رسمی درمورد آنان رسیده است و اسیدپاشی به روی زنان تبلوری از این سیاست ضد بشری است.

دردنیای سرمایه داری و امپریالیستی علی‌رغم تبلیغات فراوان اما از برابری زنان و مردان خبری نیست و زنان اولین قربانیان بحران و رکود اقتصادی هستند. اگر به موقعیت زنان در این جوامع و در زمینه‌های روبنائی و زیربنائی چون بهداشت و خدمات پزشکی، آموزش و پرورش، کار و حرفه، حقوق مدنی و جایگاه اجتماعی و سیاسی نظری بیفکنیم، متوجه می‌شویم که برابری و مساوات میان زن و مرد نه تنها جامعه عمل به خود نپوشیده است، بلکه گرایش به پسرقت

نیز دارد. تعرض به حقوق زنان در جوامع پیشرفته صنعتی از ماهیت نظام سرمایه داری برمی خیزد و تنها با بر انداختن جامعه طبقاتی می توان به این وضع پایان بخشید. آزادی زنان و تساوی کامل آنان با مردان جز با دست طبقه کارگر، جز در جامعه سوسیالیستی و در جریان ساختمان سوسیالیسم امکان پذیر نیست. فقط در جامعه سوسیالیستی است که زنان امکان می یابند کلیه استعدادهای جسمی و روحی خود را به کار اندازند و در پروسه تولید اجتماعی فعالانه شرکت جویند. بیهوده نیست که رهائی زنان از هرگونه قید اجتماعی و تساوی حقوق آنان در تمام شؤون سیاسی، اقتصادی و اجتماعی یکی از اصول مرامی حزب طبقه کارگر و جزو لاینفک مبارزه این حزب است.

حزب ما که در مسیر انقلاب سوسیالیستی ایران گام بر می دارد بر اهمیت نقش زنان در انقلاب توجه دارد و برای جلب آنها به صفوف خویش، برای بسیج آنان در سازمانهای توده ئی به خاطر مبارزه علیه ارتجاع اسلامی و امپریالیسم می کوشد.

حزب ما در برنامه خویش به روشنی از حقوق زنان دفاع کرده و در مسیر استقرار تساوی حقوق زنان و مردان، لغو کلیه قوانین ارتجاعی مذهبی و غیر مذهبی، لغو هرگونه تبعیض و محدودیت بر حسب جنسیت، آزادی پوشش، آزادی ازدواج و انتخاب همسر و ازدواج غیر مذهبی، لغو کلیه قوانینی که به بهانه ناموس ارتکاب جنایت علیه زنان را توجیه می کنند، ممنوعیت فحشاء به طور کلی و فحشای مذهبی به نام صیغه گری، آزادی سقط جنین و به رسمیت شناختن این حق برای زنان و.... می کوشد و پیگیرانه در جهت تحقق آن که با برافکندن رژیم سرمایه داری جمهوری اسلامی میسر است گام برمی دارد.

گرامیداشت هشتم مارچ یعنی تأیید پیکار زنان کارگر جهان در جهت بهبود وضع اقتصادی خود و برابری در حقوق صنفی و سیاسی با مردان، یعنی تأیید جنبش های مترقی زنان جهت کسب برابری کامل با مردان، یعنی تأیید مبارزه برای رهائی فکر و اندیشه زن از حصار جنسیت به دورا کشیده است، یعنی تأیید آزادی، برابری و محو ستم! آن را گرامی بداریم.

زنده باد هشتم مارچ روز همبستگی زنان سراسر جهان!

سرنگون بادرژیم سرمایه داری جمهوری اسلامی به دست مردم ایران!

زنده باد سوسیالیسم این پرچم نجات بشریت!

حزب کار ایران (توفان)

اسفند|حوت| ۱۳۹۴

www.toufan.org